

مقاله علمی-تحقیقی پیرامون تأمین اجتماعی از منظر

قوانین ملی و بین المللی

نویسنده: میر شریف الدین "انصاری" مشاور امور فرهنگی و اجتماعی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
2.....	مقدمه
3.....	مبحث نخست: معرفی تأمینات اجتماعی
3.....	گفتار اول: مفهوم و چیستی تأمینات اجتماعی
4.....	گفتار دوم: میناها و اهداف تأمینات اجتماعی
6.....	مبحث دوم: پیشینه تاریخی تأمینات اجتماعی
6.....	گفتار اول: تأمینات اجتماعی از منظر اخلاقی و عاطفی
7.....	گفتار دوم: تأمینات اجتماعی از منظر حقوقی سازمان یافته
9.....	مبحث سوم: موازین حاکم بر تأمینات اجتماعی
9.....	گفتار اول: منشور اتلانتیک
10.....	گفتار دوم: اعلامیه فلادلفیا
11.....	گفتار سوم: سازمان ملل متحد
11.....	گفتار چهارم: اعلامیه جهانی حقوق بشر
12.....	گفتار پنجم: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی
13.....	مبحث چهارم: چیستی بیمه
13.....	گفتار اول: بیمه خصوصی
14.....	گفتار دوم: نظام مسئولیت مدنی
16.....	گفتار سوم: بیمه بیماری
17.....	گفتار چهارم: بیمه تقاعد
18.....	گفتار پنجم: بیمه بارداری
19.....	گفتار ششم: بیمه صحت
20.....	نتیجه گیری
22.....	منابع و مأخذ

پس از آنکه انسان به عنوان میراث دار زمین، در اطراف و اکناف جهان پخش میشود، تلاش میکند از تنگناهای طبیعی، اجتماعی و دغدغه های اقتصادی مصونیت حاصل نماید، همان است که تلاش میکند، وسایل و ذرایع مناسب زندگی و امرار معاش و نجات از نگرانی هایی مانند گرسنگی، سلامتی از حملات یک گروه بر گروه دیگر را دریابد، اما امروزه که جهان انکشاف یافته، مدرنترین امکانات زندگی را به جامعه بشری پیشکش میکند، در کنار سه رکن حتمی زندگی چون غذا، لباس و مسکن، تداوی و... حتا مصارف حیوانات خود را می سنجند و جامعه انسانی قرن 21 در مرحله قرار دارد که روی تأمین ما یحتاج انسان دولت ها فکر کنند و راه های حل مناسب را دریابند.

حقوق تأمینات اجتماعی مبحثی است که به دستگاه ها و ساختار های حقوقی تأمین ضرورت های جامعه توجه میکند و موضوع بحث این رشته، در واقع قواعدی که دولت و جامعه بشری را مکلف به رفع نیازمندی های شهروندان در هنگام پریشانی ها و تنگنا های اجتماعی و اقتصادی میسازد.

حقوق تأمینات اجتماعی در کشور های مدرن و پیشرفته، با ساختار های نظام اجتماعی آنها نهادینه شده است، اما در افغانستان با وجود، فقر مزمن، وضعیت نابسامان اجتماعی- اقتصادی و بیکاری مفرط، دستگاه ها و ساختار هایی که بتواند شهروندان را از این مضیقه نجات دهد، وجود ندارد و دولت در حد ابتدایی برخی مسائل مانند، اجرای رخصتی های ولادی، مریضی، تفریحی، تقاعد را برای کارمندان دولت و یک مقدار پول ناچیز را برای معلولین و ورثه شهداء در نظر گرفته که به موضوعات مزبور به هیچ صورت قابل بحث زیر عنوان بیمه نمیباشد.

مقاله هذا روی موضوعات کلی تأمینات اجتماعی، بیمه ها و موجودیت جلوه های تأمین اجتماعی در نظام حقوقی افغانستان بحث دارد.

مبحث نخست: معرفی تأمینات اجتماعی

طوری که مبرهن است اصطلاح تأمین اجتماعی درست در سال 1935 میلادی در آمریکا مطرح گردید و در رابطه به این مصطلح، تعاریفات زیادی وجود دارد که از جمله فقط دو تعریف ذیلاً به بحث گرفته میشود.

تعریف نخست: مجموعه اقدامات سازمان یافته که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بیکاری، حادثه ناشی از کار، پیری و از کارافتادگی و مرگ سرپرست خانواده که فرد و خانواده اش را دچار بحران می کند) پیش بین و انجام می دهد. (1)

تعریف فوق الذکر روی انواع بیمه های مانند بیمه بیماری، بیمه بیکاری، جبران خساره، بیمه تقاعد و بیمه فوت سرپرست خانواده که در مجموع بیمه های متذکره در ذیل اقدامات سازمان یافته تأمینات اجتماعی به بحث گرفته میشود و برای افراد ذی حق، پرداخته میشود.

تعریف دوم: تأمین اجتماعی عبارت است از اصول یا شیوه های اجرایی و یا هر برنامه ملی و عمومی (بیمه های اجتماعی + حمایتی) که در راه تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی فرد و خانواده اش فراهم آید.

تعریف دوم، تأمینات اجتماعی را به عنوان اصول یا شیوه های اجرایی برای رفاه خانواده و جامعه بیان داشته است، همچنان در کنار بیمه های اجتماعی که در تعریف نخست روی آن اشاره شد، از بیمه های حمایتی نیز یاد آوری کرده است که برخی از بیمه های حمایتی در تعریف نخست تبلور یافته است.

گفتار نخست: مفهوم و چیستی تأمینات اجتماعی

تأمینات اجتماعی در واقع اقداماتی است که در برابر خطرات طبیعی و احتمالی که افراد جامعه

1- مقدمه ای بر تأمین اجتماعی، ترجمه ابو القاسم نوروز طالقانی، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ص 19

را مانند، سیل، زلزله، طوفان باد، حریق منزل و... تهدید میکند و یا حوادث ناشی از کار مانند، بیماری، از کار افتادگی، تقاعد یا بازنشستگی و... افراد را دچار مشکل میسازد، وارد عمل میشود.

پس گفته میتوانیم که تأمینات اجتماعی قواعد و مقررات حاکم بر اقداماتی است که به شکل سازمان یافته جهت حمایت از اعضای جامعه در هنگام پریشانی و تنگناهای اقتصادی و اجتماعی روی دست گرفته میشود.

در نهایت امر، تأمینات اجتماعی طور یکه از نامش پیداست، نوعی ایجاد امنیت در برابر مشکلات و خطرات است و از جانب دیگر نهادی سازمان یافته، ملی و فراگیر میباشد که خدمات آن به طور مستمر به عنوان یک حق ادامه دارد، به این معنا که تأمینات اجتماعی جزء حقوق شهروندی محسوب می شود.

گفتار دوم: مبناها و اهداف تأمینات اجتماعی

برخی ها براین باور اند که اساس و مبنای تأمینات اجتماعی بر جبران خسارت و تحت پوشش قرار دادن افراد از خطرات اجتماعی و اقتصادی استوار است، اما آنچه را دکتر سروش استوارسنگری در کتاب به نام حقوق تأمینات اجتماعی تذکر داده است، روی چهار موضوع متمرکز است که عبارتند از:

1. تأمینات اجتماعی ابزار نیست برای مقابله با خطرات اجتماعی؛ به این معنا که خطرات طبیعی اجتماعی مانند زلزله، سیلاب، فقر، طوفان، جنگ و آتش فشان حالات غیر مترقبه یا force measure است که به یکبارگی وضعیت اجتماعی یک توده را کاملاً دگرگون میسازد و نظام زندگی افراد را برهم میزند، اینجاست که تأمینات اجتماعی افراد متأثر، متضرر و آسیب دیده را تحت پوشش قرار میدهد و در برابر خطرات اجتماعی مقابله میکند.

2. تأمینات اجتماعی ابزاریست برای حفظ تعادل اقتصادی افراد؛ وقتی یک شخص، شاغل بوده و در یکی از ادارات و یا سازمانها کار میکند، اما پس از مدتی بنابر معاذیری بیکار میشود و تعادل زندگی وی برهم میخورد، اینجا تأمینات اجتماعی شخص بیکار را زیر نام بیمه بیکاری مورد حمایت قرار میدهد، طوریکه شخص بیکار را که قبلاً مشغول کار بوده از 6 تا 14 هفته حمایت میکند و یا وقتی یک کارگر توسط دولت سبکدوش میگردد، دولت مکلف به پرداخت 14 هفته معاش اصلی وی میباشد، به همین ترتیب وقتی یک کارمند و یا کارگر عضو بدن خود را از دست میدهد، دولت و یا شرکت مکلفیت دارد، شخص را حمایت کند.
3. تأمینات اجتماعی وسیله است برای رشد شخصیت فردی؛ هنگامیکه نیازمندیهای افراد معیوب، معلول و نابینا مرفوع و ما یحتاج ایشان تکمیل گردد، خود کفا میشوند و شخصیت فردی آنها رشد میکند.
4. تأمینات اجتماعی در واقع دفاع اجتماعی میباشد؛ به این معنا هر که کار کند در مقابل آن مزد دریافت کرده و کارگر در واقع استعداد و علم خود را در برابر مزد به خدمت یک اداره و یا سازمان میگذارد و مورد حمایت معاوضی قرار میگیرد. این نظریه در ابتدا توسط حقوقدانان ایتالیایی و فرانسوی در حقوق جزا به بحث گرفته شد، خلاصه بحث اینست که هر گاه فردی به میل خود مرتکب جرمی شود که نظم و امنیت جامعه را مختل سازد، جامعه حق مجازات مجرم را دارد، از جانب دیگر جامعه نیز عوامل و انگیزه هایی را که افراد بر مبنای آن مرتکب جرم و خطا میشوند باید برطرف سازد و در راستای بهبود وضع فردی مجرم بکوشد، بنابراین تأمین حد اقل معیشت با عرضه تأمینات اجتماعی اینگونه تهدیدات را تا حدی نابود میسازد. اما در جامعه که از لحاظ فرهنگ، اخلاق و اقتصاد انکشاف یافته نباشد، اینگونه راهکارها چندان کارآمد نمیشود، چونکه گسترش تأمینات اجتماعی بر مبنای میزان ثبات و امنیت در تمام ابعاد گوناگون یک جامعه سنجیده میشود. (1)

1- دکتر کورش استوار سنگری، حقوق تأمین اجتماعی، نشر میزان، چاپ سوم- تابستان 1390، ص 15

هدف تأمینات اجتماعی تضمین و حمایت از زندگی اعضای جامعه در هنگام پریشانی و تنگنا های اقتصادی و اجتماعی میباشد که با به کارگیری میکانیزم های مشخص به این مأمول دست می یابد.

مبحث دوم: پیشینه و سیر تحول تأمینات اجتماعی

چنانچه قبلاً تذکر داده شد، خطرات طبیعی و انواع گوناگون مشکلات چون بیماری، کهنسالی، از کار افتادگی، نا امنی، فقر، بیکاری، بارداری و عائله مندی از جمله علل و عوامل شکل گیری حقوق تأمینات اجتماعی گردید و دولت ها در صدد دریافت راههای حل مناسب از معضلات و مقابله باخطرات تدابیری را روی دست گرفتند و توانستند به صورت ابتدایی متضررین و آسیب دیدگان را در محلات مانند دارالمساکین یا دارالعجزه، دار الایتام و امثال اینها جابجا کرده و به مشکلات آنها رسیدگی نمایند.

اینکه انسانها همواره در راستای توسعه و تکامل، گام برمیدارند و جهت بهبود وضعیت معیشتی خود و افراد جامعه تلاش میکنند، خواستند به یک نظام کامل و سازمان یافته تأمینات اجتماعی دست یازند و از نظر اخلاقی و حقوقی با مشکلات مزبور مقابله نمایند.

از اینجهت نیاز بود، سیر تحول و تکامل تأمینات اجتماعی به شکل سازمان یافته توضیح و تبیین گردد، بنابراین نیاز است سیر تحول تأمینات اجتماعی از بُعد عاطفی و اخلاقی و نیز از منظر حقوقی مختصراً به بحث گرفته شود.

گفتار اول: تأمینات اجتماعی از منظر اخلاقی و عاطفی

در جامعه افغانی ما، وقتی یک فرد دچار مشکل و یا با خطری مواجه میگردد، به صورت طبیعی به خانواده پناه میبرد و اعضای خانواده که در واقع حیثیت یک مجتمع کوچک را دارد، به داد فرد رسیده و اخلاقاً او را مورد حمایت قرار میدهند و یا هرگاه خطری فرد را تهدید میکند، اخلاق و عاطفه اعضای خانواده، باعث دستگیری و نجات فرد معروض به خطر میشود، به این معنا که به لحاظ اخلاقی و عاطفی در گذشته های نه چندان دور، اعضای

خانواده مانند یک تن از همدیگر خویش حمایت میکردند و در هنگام مشکلات دست به دست هم داده و متحدانه مشکلات را مرفوع میساختند.

اما وقتی مشکل بزرگتر و یا خطر جدی تری خانواده را تهدید میکرد، ساکنین منطقه همه یکجا در راستای رفع مشکل خانواده اقدام نموده و از هر حیث با آنها همکاری میکردند و خوشبختانه که این رسم تا هنوز در بیشتر نقاط کشور معمول است.

رسم حمایت از همدیگر و دستگیری از خانواده ها در هنگام مشکلات و خطرات طبیعی نه تنها نشانه بلند عاطفه و اخلاق جمعی بوده، بلکه دین مقدس اسلام بیشتر از همه روی تعاون و همدردی با همدیگر تمرکز دارد.

قرآن کریم میفرماید: " وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...الآیه".
ترجمه: در نیکوکاری و تقوا با همدیگر همکاری کنید و در گناه و سرکشی با همدیگر همکاری نکنید. (1)

گفتار دوم: تأمینات اجتماعی از منظر حقوقی سازمان یافته

قضیه اخلاق و عاطفه چنانچه به بحث گرفته شد، امریست که بستگی به حس درونی و بشر دوستی فرد دارد، هرگاه کسی توان داشت، با یک فرد دچار مشکل همکاری میکند، و وقتی خودش مستمند تر از دیگران بود، انتظاری مبنی بر کمک با دیگران وجود نخواهد داشت، و قضایای اخلاق و عواطف اجتماعی الزامی نیست و نقاط ضعفی که در تأمینات اجتماعی از منظر اخلاقی و عاطفی وجود دارد جوابگوی نیازهای اساسی یک جامعه نبوده و ناگزیر باید طرق بهتر و مطمئن تری را جستجو کرد.

بدین ملحوظ پس از انقلاب صنعتی در اروپا موضوع تأمینات اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که نظام تأمینات اجتماعی امروز در واقع فرایند و ثمره اقدامات قانونی انقلاب صنعتی میباشد.

قدمه های ابتدایی انقلاب صنعتی از سال 1770- 1825 میلادی برداشته شد و

1- قرآن کریم، سوره مائده، آیه 2

تغییرات بنیادین در زندگی اروپائیان رونما گردید، چونکه با ایجاد ماشین الات مردم دستمزد خویش را از دست دادند، مردم از روستاها و دهات جهت کسب و کار به شهرها سرازیر شدند، ساعات کار افزایش یافته و در مقابل میزان مزد کاهش یافت.

اطفال، زنان و مردان همه جهت تأمین معاش مجبور بودند، کار کنند، در نتیجه، فقر و ناداری توأم با مجازات قهر آمیز بر جامعه حکمفرما شد و پس از قرن 14 میلادی به علت بیکاری، فقر در انگلستان بیداد میکرد و مردم از نظر تأمین معیشت در دشوارترین شرایط قرار گرفتند، همان بود که سازمان های خیریه تشکیل گردید و افراد ثروتمند به فقرا و مستمندان کمک میکردند.

در سال 1601 میلادی قانون فقر به تصویب رسید و بر مبنای آن مقامات مؤظف شدند تا به فقرا کمک کنند و آنها را به دارالعجزه یا خانه ناتوانان نگهداری نمایند، متعاقباً در سال 1834 میلادی قانون دیگری به تصویب رسید و کمک به فقرا را به دارالمساکین واگذار کرد.

در سال 1802 قانون کار کودکان را به تصویب رساند و به حکم قانون مزبور ساعات کار اطفال از 14 ساعت به 12 ساعت کاهش یافت و انجام کار های شاقه و سخت نیز بالای اطفال ممنوع اعلام شد.

بعداً در سال 1823 میلادی بر مبنای قانون دیگری استخدام اطفال زیر سن 9 سال در کارخانه های نساجی ممنوع گردید و در سال 1842 میلادی استخدام زنان، دختران و پسرانی که زیر سن 10 سال قرار داشتند در معادن زیر زمینی ممنوع اعلام شد و در این زمینه مقرراتی وضع گردید که به نفع قشر کارگر بود و در نتیجه اینگونه قانونگذاری و انکشاف تدریجی حقوق کار، نظام تأمینات اجتماعی سر و سامان پیدا کرد و شکل گرفت.

اما در مورد آمریکا نکته جالب اینست که تا سال 1910 میلادی بنابر تسلط نظام اقتصادی لیبرال هیچگونه دیدگاهی در مورد نظام تأمینات اجتماعی وجود نداشت و کارگران نیز

تقاضایی در زمینه نداشتند و در زمینه حوادث و بیماری های ناشی از کار نیز موازین کلی حاکم بر مسئولیت مدنی رعایت میشد.

بنابراین فرانکلین روزولت رییس جمهور آمریکا برنامه هایی را مبنی بر بالا بردن سطح زندگی کارگران، جلوگیری از فقر و رفاه همگانی جهت حل بحران اقتصادی آنکشور، اعلام کرد که بعداً بنام طرح جدید (new deal) شهرت یافت.

آمریکا در سال 1934 میلادی عضو سازمان بین المللی کار گردید و در راستای اجرای طرح جدید قوانین متعدد در کنگره به تصویب رسید که از جمله میتوان از تعیین حد اقل مزد و تعیین ساعات کار در کارخانه ها یاد دهانی کرد که مهم ترین قوانین مصوب دوران روزولت قانون تأمین اجتماعی سال 1935 میلادی میباشد که برای نخستین بار واژه تأمین اجتماعی در آن به کار برده شده است.(1)

مبحث سوم: موازین حاکم بر تأمینات اجتماعی

اصول و یا موازین حاکم بر تأمینات اجتماعی در سطح جهان بر پایه چهار رخداد بزرگ جهانی استوار است که عبارتند از:

1. منشور اتلانتیک
2. اعلامیه فلادلفیا
3. منشور ملل متحد
4. اعلامیه جهانی حقوق بشر

گفتار اول: منشور اتلانتیک

طوری که مبرهن است، نظام تأمینات اجتماعی با تأسیس سازمان بین المللی کار (ILO) در سال 1919 رسماً در راستای حمایت از کارگران و تعیین استندرد های لازم آغار به کار

1- دکتر کورش استوار سنگری، پیشین، ص 33

کرد، از آنجاییکه تأمینات اجتماعی به مفهوم جدید شامل تمام افراد جامعه می‌گردد، اسناد و مقررات متعدد بین‌المللی ناظر بر این موضوع می‌باشد.

منشور اتلانتیک که در سال 1914 میلادی توسط فرانکلین روزولت در 114 ماده مطرح گردید و با چرچل به امضا رسید به منظور تأمین شرایط بهتر کار برای همه، ایجاد شرایط مناسب اقتصادی و تأمینات اجتماعی و در مجموع به هدف مهار کردن فقر و دفاع از حقوق کارگران بوجود آمد. این منشور در واقع پایه و بنای مهمی برای بوجود آمدن اساسنامه بین‌المللی کار گردید.

گفتار دوم: اعلامیه فلادفیا

ازاینکه جنگ دوم جهانی باعث شد، سازمان ملل از بین برود، اما سازمان بین‌المللی کار (ILO) به حیث یکی از نهاد های تخصصی ملل متحد به کار خود ادامه داد، لیکن بنابر مشکلات، مقر آن از ژنیوا به مونترال کانادا مؤقتاً انتقال یافت و در سال 1944 میلادی و با نزدیک شدن ختم جنگ، کنفرانس بین‌المللی کار با اشتراک چهل و یک کشور عضو در فلادفیای آمریکا تشکیل گردید و اعلامیه که در واقع مربوط به سازمان بین‌المللی کار بود، صادر گردید و به اعلامیه فلادفیا مشهور گشت.

این اعلامیه مجدداً سازمان بین‌المللی کار را مؤظف کرد، تا معیار ها و شرایط تأمینات اجتماعی را بوجود بیاورد، در بخش نخست این اعلامیه تأکید براین است که فقر به هر شکل و در هر جایی که باشد، رفاه همگانی را صدمه زده و مبارزه علیه این پدیده باید میان سایر ملت های جهان صورت گیرد. در بخش دوم اعلامیه تذکر رفته است که تمام افراد، صرف نظر از نژاد، جنس و عقیده، از کرامت انسانی برخوردار بوده و حق دارد به لحاظ مادی و معنوی آزادانه کار کند و جهت تحقق این هدف، سازمان بین‌المللی کار باید به صورت اساسی برنامه ها و اقدامات لازم را روی دست گیرد که از جمله مکلفیت های سازمان

بین المللی کار در زمینه، تضمین فرصت های مساوی در زمینه آموزش و اشتغال و گسترش تأمینات اجتماعی میباشد.(1)

قابل تذکار است، پس از جنگ دوم جهانی جهت نظارت از تطبیق اصول تأمینات اجتماعی، برخی مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها از جانب سازمان بین المللی کار به تصویب رسد که تعداد آنها تا سال 1987 میلادی به 30 مقاوله نامه و 20 توصیه نامه میرسید و مهمترین آنها مقاوله نامه 102 میباشد که به عنوان پایه و اساس حد اقل تأمینات اجتماعی در سطح جهان شناخته شده است

گفتار سوم: منشور ملل متحد

منشور ملل متحد که دارای 111 ماده است، در سال 1944 میلادی توسط نمایندگان کشور های فرانسه، انگلستان، آمریکا، شوروی سابق و چین تهیه گردید با امضای آن توسط پنجاه و یک کشور صورت گرفت و در نتیجه سازمان ملل متحد بوجود آمد و در ماده 55 منشور متذکره یک قاعده کلی برای حقوق کا و تأمینات اجتماعی زیر عنوان بالا بردن سطح زندگی و فراهم ساختن کار برای همه را در خود جا داده است که این ماده در راستای اهمیت کار و دفاع از حقوق کارگران نقش اساسی را ایفا مینماید و در واقع امریست که سازمان ملل متحد مشوق آن خواهد بود.

گفتار چهارم: اعلامیه جهانی حقوق بشر

این اعلامیه در سال 1948 میلادی در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و دارای 30 ماده است. طوری که مفهوم تأمینات اجتماعی پس از جنگ دوم جهانی برای کشور های آشنا و شناخته شده بود، در ماده های متعدد اعلامیه فوق الذکر، به صراحت، موضوع برخورداری افراد از حمایت تأمینات اجتماعی به بحث گرفته شده و روی آن تأکید صورت گرفته است.

1- دکتر عزت الله عراقی، حقوق بین المللی کار، ص 52

چنانچه ماده 23 روی حق آزادی اشتغال و دریافت مزد مساوی در مقابل کار مساوی برای همه و حق تشکیل اتحادیه های کارگری جهت دفاع از منافع خود تأکید دارد و ماده 25 "هر کس حق دارد از یک سطح زندگی که لازمه و ضامن سلامت و رفاه خود و خانواده اش میباشد به خصوص در زمینه خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های صحی و خدمات اجتماعی برخوردار شده و در موارد بیکاری، بیماری، نقص عضو، تنهایی، پیری و دیگر مواردی که وسایل معیشت را ناخواسته از دست میدهد حمایت شود". در بند 2 همین ماده بر کمک و مراقبت مخصوص در مورد مادران و اطفال تأکید شده است.

از آنجاییکه اعلامیه حقوق بشر ضمانت اجرایی نداشته و دارای مؤیده نمیشود، کنوانسیون حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از جانب کمیسیون حقوق بشر تدوین گردید تا معایبی را که اعلامیه حقوق بشر داشت، برطرف سازد و در سال 1966 میلادی به تصویب رسید و افغانستان در سال 1983 به آن ملحق گردید و نیز در قانون اساسی با به کارگیری واژه رعایت از اصول و مواد آن سخن رانده و هیچگونه پیش شرطی نگذاشته است، بنابراین، بر مبنای نص کنوانسیون حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افغانستان نیز اعلامیه حقوق بشر ضمانت اجرا یافته است.(1)

گفتار پنجم: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی

ماده 9 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی إشعار میدارد که "دول عضو این میثاق حق افراد را بر تأمین اجتماعی از جمله بیمه های اجتماعی، به رسمیت میشناسند". زمانی که افراد با شرایطی مواجه میشوند که آنها را از امکان برخورداری از حقوق به رسمیت شناخته شده خود در این میثاق محروم کند، حق بر تأمین اجتماعی دارای اهمیت بنیادینی به منظور پاسداری از کرامت ذاتی تمامی افراد بشر خواهد بود.

دوم، حق بر تأمین اجتماعی، در بردارنده حق دسترسی و برخورداری از مزایای نقدی یا

1- قانون اساسی افغانستان، فصل اول، ماده 7، فقره 2، سال 1381 خورشیدی

غیر نقدی، بدون تبعیض و به منظور حمایت از افراد در مقابل:

- فقدان در آمد های حاصل از کار به دلیل بیماری، از کار افتادگی، بارداری، حادثه ناشی از کار، بیکاری، سالمندی یا فوت یکی از اعضای خانواده؛
- عدم امکان دسترسی به خدمات سلامت؛
- عدم حمایت کافی خانواده از فرزندان و افراد تحت تکلف است.

همچنان ماده 9 این میثاق موارد نه گانه تأمینات اجتماعی را مشخص ساخته است که هر یک با اختصار تشریح میگردد.

مبحث چهارم: چیستی بیمه

واژه بیمه در زبان فرانسوی ASSURANCE و در زبان انگلیسی INSURANCE گفته میشود، هرچند برخی از محققان به این باور اند که ممکن است واژه بیمه ریشه های عربی، ترکی، عبرانی و یا لاتین گرفته نشده باشد و اصل آن "بیم" باشد، اما با رجوع به لغتنامه دهخدا در می یابیم که "اصل این واژه هندی است و در اصطلاح ضمانت مخصوصی است که از جان یا مال اشخاص که افراد ماهانه مبلغی را به شرکت بیمه میدهند و در صورتیکه افراد مواجه با خطرات جانی و مالی گردند، شرکت بیمه، مبلغ معینی را به آنان میپردازد، به عبارت دیگر، بیمه، اطمینانی است که در مقابل خطرهای محتمل الوقوع از آن استفاده صورت میگیرد".

در اصطلاح علم حقوق، بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد میکند در برابر پرداخت وجه یا جوهی، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر وجه دهنده را جبران نموده و یا وجه معینی برای او بپردازد.

گفتار اول: بیمه خصوصی

بیمه خصوصی به سه بخش تقسیم میشود که شامل بیمه شونده، حق بیمه و بیمه کننده و منطق بیمه خصوصی در اینست که افراد و اشخاصی که پول و دارایی دارند، هرگاه ضرری

متوجه آنها شود و آنگاه فقیر و ناتوان شوند، نهادها یا اشخاصی وجودداشته باشد تا افراد متضرر را مورد حمایت قرار دهد.

همچنان افراد سرمایه دار و پولدار چنین کاری را به هدف تضمین سرمایه و تضمین حیات، خود را بیمه می کردند، اما فقرا نمیتوانستند چنین کاری را انجام دهند یعنی نمیتوانستند خود را بیمه کنند، نقص بیمه خصوصی در این بود که ثروتمندان و سرمایه داران خود را بیمه میکردند، درحالیکه فقرا و افراد بی بضاعت از مزایای بیمه محروم بودند.

در نظام بیمه خصوصی بیمه شونده و بیمه دهنده هر دو افراد و اشخاص سرمایه دار بودند، از اینرو نظام مسئولیت مدنی به عنوان راه حل معضله ارایه گردید که نظام مسئولیت مدنی در عصر کنونی کاملاً مدرن و یک پدیده جدید است.

گفتار دوم: نظام مسئولیت مدنی

نظام مسئولیت مدنی به این مفهوم است که هرگاه شخصی به دیگری آسیب رساند، در قبال جبران خساره ناشی از آسیب، مسئولیت دارد، به این معنا که شخص آسیب رسان مسئولیت مدنی داشته و مسئولیت مدنی ریشه در قواعد و اصول حقوق خصوصی دارد.

باید گفت، مسئولیت مدنی از دو جهت قابل بحث است، اولاً جستجوی ریشه مسئولیت مدنی در آیات قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و ثانیاً مکتبی بر نظام مسئولیت مدنی در دوران انقلاب صنعتی در اروپا میتواند نظام مسئولیت مدنی را واضح تر سازد.

قرآن عظیم الشأن میفرماید:

1. "فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و التقواالله...، الآیه. بقره/آیه 194
علامه ابن کثیر در تفسیر خود درذیل این آیه میفرماید: معنای اعتدای نخست ظلم است و اعتدای ثانی بمعنای عدل میباشد، هرچند در لفظ یکسان اند.(1)

1- علامه اسماعلی بن کثیر، تفسیر ابن کثیر، مکتبه شامله، جزء 1، ص 184

همچنان علامه قرطبی در شرح آیه فوق الذکر میفرماید: اعتدا بمعنای تجاوز است و میگوید، هرگاه کسی بالای تو ظلم کرد و حق ترا از تو سلب کرد، لازم است به اندازه حق خودت، از ظالم بستانی. (1)

به همین ترتیب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید: "انصر أخاک ظالماً او مظلوماً" به این معنا که برگرداندن حق مظلوم از نزد ظالم در واقع نصرت و کمک به مظلوم میباشد. (2)

همچنان در حدیث نبوی که ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است نقل گردیده که میفرماید: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَإِلِمَامُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَعَبْدُ الرَّجُلِ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. (3)(4)

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید: آگاه باشید که هر فرد شما حیثیت شبان (چوپان) را دارید و هر کدام از شما از زیر دستان خود مسئولیت دارد، پس امام (پادشاه/رییس جمهور) راعی بوده و از رعیت/ملت خود مسئولیت دارد و مرد خانواده، راعی اهل و عیال خود است و از آنها مسئولیت دارد و در مقابل زن راعیه خانه شوهر و فرزندان اوست و از آن مسئولیت دارد و غلام مرد رعایت کننده و پاسدار مال مولای خود است و از آن مسئولیت دارد، آگاه باشید که هر کدام شما راعی و از رعیت تان مسئول هستید.

از حدیث فوق به وضاحت معلوم است که فرد در برابر فرد مسئولیت دارد و دولت نیز در برابر افراد جامعه مسئول است و نیز افراد در برابر دولت مسئولیت دارند که انواع

1- علامه محمد بن احمد الانصاری القرطبی، تفسیر قرطبی، نشر بیروت، چاپ اول، 1997 ج 1-2، ص 358

2- علامه محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، نشر بیروت، شماره حدیث، 2443

3- علامه محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، مکتبه شامله، باب بدء الوحی، جزء 9، ص 77

4- امام مسلم، صحیح مسلم، مکتبه شامله، باب فضیله الامام العادل و عقوبه الجائر، جزء 6، ص 7

افراد و دولت را مباحث بزرگ و گسترده فقهی به بحث و بررسی گرفته اند که در این مقاله گنجایش ندارد.

اما در جهان امروزی پس از قرن ها تجربه و لمس مشکلات گوناگون، بالاخره انقلاب صنعتی اروپا زمینه ای شد تا برای کارگران آسیب دیده در حین کار، قواعدی وضع شود که بر مبنای آن برای کارگران مزایا و جبران خسارت در نظر گرفته شد. تا قرن 19 مسؤولیت از طریق اشیاء غیر جاندار برای صاحب آن مطرح نبود، اما در 1896 دیوان عالی کشور فرانسه تصویب کرد که اگر زیانی از اشیاء به کسی برسد صاحب آنها مسؤل است که جبران خسارت نماید.

گفتار سوم: بیمه بیماری

بیمه بیماری که در مقاله نامه 130 تذکر یافته است، حد اقل تحت پوشش قرار دادن کارگر را در یک سال، شش ماه در نظر گرفته است و مزد ایام بیماری از 45 درصد کمتر بوده نمیتواند و بیمار ناشی از کار نیز از 50 درصد کمتر بوده نمیتواند.(1)

منطق بیمه بیمار در اینست که کارمند در وقت استخدام معاینات صحی انجام داده و در نتیجه معلوم شده است که کارمند صحتمند است و بر مبنای صحتمندی استخدام شده است.

لذا، وقتی کارمند در جریان کار مریض میشود، روشن است که مرض وی ناشی از کار در اداره بوده و اداره مکلف به پرداخت بیمه بیماری برای شخص مریض میباشد.

قانون کار افغانستان ماده 117 چنین مقرر داشته است که "اداره مکلف است، برای معلولین ناشی از کار بعد از تثبیت معلولیت مطابق توانایی کاری آنها شرایط و زمینه کار را فراهم سازد؛ مزد و سایر حقوق معلول مرتبط به کار از آخرین مزد بست، رتبه یا درجه قبل از معلولیت، کمتر بوده نمیتواند."

به همین ترتیب در رابطه به رخصتی های مریضی ماده 52 قانون کار، (2) چنین بیان داشته است: "کارکن سالانه مستحق 20 روز رخصتی مریضی با مزد و سایر حقوق و امتیازات میباشد؛" اما ماده 53 قانون کار چنین صراحت دارد: "هر گاه مریضی کارکن از مدت مندرج

1- مقاله نامه شماره 130 سازمان ملل متحد

2- قانون کار افغانستان، ماده 117، 52، 53

ماده 52 این قانون ادامه یابد، به رویت تصدیق مراکز صحتی دولتی و غیر دولتی اضافه رخصتی مریض با مزد به وی اعطا شده میتواند".

همچنان ار بیمه بیماری که شامل مداوای بیماری ناشی از کار در اداره میگردد، نیز مواد قانونی وجود دارد.

گفتار چهارم: بیمه تقاعد

بیمه تقاعد یا بازنشستگی در اکثر کشور های جهان به شکل اجباری نیز وجود دارد و در مقاله نامه 128 مزایای تقاعد چنین ثبت گردیده است(1)

- سن تقاعد نباید بیش از 65 سال باشد
- بیمه در حیات کارمند
- بیمه پس از حیات کارمند

کارمندی که در جریان کار به سن کهولت میرسند، و 65 سال عمر دارند، باید از بیمه تقاعد مستفید شوند تا امرار حیات و معاش نمایند. به این ترتیب پس از فوت کارمند، برای اطفالش تا سن 18 سالگی بیمه تقاعد پرداخته میشود و هرگاه خانم متوفی ازدواج مجدد کند، از این حقوق برخوردار نميگردد.

حقوق بیمه در کشور های مختلف درصدی های مختلف دارد، اما در افغانستان چون سیستم بیمه دویپایه یی است، یعنی هم دولت و هم شخص مشترکاً در پرداخت بیمه سهمیم اند، بنابراین وقتی دولت پول تقاعدی را که از کارمند میگیرد، پس از فوت کارمند، با پذیرش سببایدی آن پول را چندین برابر می پردازد.

ماده 137 قانون کار در زمینه چنین صراحت دارد(2): "کار کن بعد از تکمیل سن 65 سالگی متقاعد میگردد. دوره کار بالفعل کارکن 40 سال بوده، مستحق آخرین مزد بست، رتبه یا درجه شناخته میشود".

همچنان بر اساس ماده 141 قانون کار، حقوق تقاعد در اثر معلولیت یا فوت مرتبط به کار و مریضی حرفوی یا فوت ناشی از آن به اساس تصدیق کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت، بدون

1- مقاله نامه 128 سازمان ملل متحد

2- قانون کار افغانستان، ماده 137، 141

نظرداشت دوره خدمت، معادل 100 درصد مزد آخرین رتبه یا درجه قبل از تقاعد قابل اجرا مییاشد.

گفتار پنجم: بیمه بارداری

بارداری یا حاملگی، به معنای اراده طفل به دنیا آوردن است، زنها معمولاً بر مبنای ازدواج، تشکیل خانواده میدهند و طفل بدنیا می آورند، ازاینرو ولادت طفل باید به صورت معقول از رخصتی با مزد برخوردار شود.

در سطح جهان مقاوله نامه 183 که در سال 2000 میلادی به تصویب رسید، پیرامون مزایای بارداری، روی نکات ذیل تمرکز دارد:

- حد اقل 12 هفته رخصتی با معاش
- حق داشتن پرستار
- حق دارو و دوی رایگان(1)

اما در افغانستان این مزایا پس از تولد طفل آن هم صرف برای مادر در نظر گرفته شده که ماده 54 قانون کار چنین صراحت دارد: "کارکن زن مستحق 90 روز رخصتی ولادی بامزد میباشد که یک ثلث آن قبل از ولادت و دو ثلث آن بعد از ولادت قابل اجرا است. در صورت ولادت غیر طبیعی یا دو گانگی یا بیشتر از آن مدت 15 روز رخصتی بیشتر به وی داده میشود".(2)

در حالیکه در اروپا طفل از زمانیکه زایگوت تشکیل میشود، مورد حمایت قرار میگیرد و در کشور های اسکندناوی به خصوص فنلند بعد از ولادت طفل هر دو شخص(زن و شوهر) به مدت یکسال رخصت و شوهر نیز با معاش یک ساله مورد حمایت قرار میگیرد، البته این پروسه تا 3 طفل ادامه می یابد.

1- مقاوله نامه 183 سازمان ملل متحد

2- قانون کار افغانستان، ماده 54

گفتار ششم: بیمه صحتی

این بیمه در مقاله نامه 130 سازمان ملل متحد ثبت گردیده و حد اقل 50 درصد مزد بگیران و 20 درصد کل جمعیت فعال کشور را تحت حمایت قرار میدهد، باید گفت جمعیت فعال کشور از 16 ساله تا 60 ساله را شامل میگردد و دولت مکلف است برای تمام اتباع کشور بیمه خدمات سلامت را در نظر گیرد و آنرا جزء وظایف اصلی خود قلمداد نماید. (1)

در قانون اساسی ماده 52 چنین صراحت دارد: "دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحتی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین مینماید". (2)

این ماده در راستای فراهم آوردن تسهیلات صحتی برای همه بدون در نظر داشت سن، تسجیل نموده است که هر شهروند کشور، وقتی مبتلا به مرضی میگردد، دولت مکلف است تسهیلات صحتی را فراهم ساخته و مرض شخص را رایگان علاج نماید.

گفتار هفتم: بیمه بیکاری

این بیمه در مقاله نامه 168 مزایای ذیل را ثبت نموده است:

- بیمه بیکاری ارادی
- بیمه بیکاری غیر ارادی

هرگاه از زمان قرار دادی که میان شرکت و کارمند عقد گردیده است، مدت یکسال، دو سال یا سه سال گذشته باشد و قرار داد خود را کارمند بصورت منظم به پایان رسانیده باشد، شرکت مکلف به پرداخت یکماه معاش طی هر سال کاری میباشد.

اما وقتی کارمند بصورت ارادی استعفا میدهد و یا ترک وظیفه میکند، اداره به پرداخت 45 درصد معاش موصوف تا شش ماه پس از ترک وظیفه مکلف میباشد و در افغانستان نیز وقتی بست یک کارمند تنقیص میگردد و کارمند بیکار میشود، ادارات خدمات ملکی او را برای مدتی به عنوان منتظر با معاش نگهدارند، تا برای بست دیگری درخواستی بدهد.

1- مقاله نامه 130 سازمان ملل متحد
2- قانون اساسی افغانستان، ماده 52
3- مقاله نامه 168 سازمان ملل متحد

نتیجه گیری

چنانکه مبرهن است، حق تأمین اجتماعی در اکثر کشور های جهان منجمله کشور های آمریکایی و اروپایی به عنوان حق اساسی اتباع تلقی گردیده و فرد هر آن مورد حمایت دولت قرار دارد و ضمن اینکه دولت های انکشاف یافته، مرد، زن و طفل را در سایر موارد حقوق تأمینات، تحت حمایت خویش میگیرند، در برخی از کشور ها مشاهده میگردد که حیوانات نیز از انسانها ارث میبرند و هستند افرادی که تمام ثروت و دارایی خود را در محکمه بنام یک حیوان و یا جانور ثبت میکنند.

همچنان راجع به مسئولیت مدنی، وقتی حیوان خانگی کسی به شخصی صدمه میرساند، فرد مکلف به پرداخت جبران خساره از زیان حیوان خویش به شخص متضرر میباشد.

کشور های مدرن و پیشرفته ضمن اینکه روی حقوق شهروندان با جزئیات تمام می اندیشند و انواع سهولت ها و ذرایع زندگی را فراهم می آورند، گاهگاهی لغزش های جبران ناپذیری نیز دارند که شاید ریشه های اینگونه لغزشها در بی معرفتی حقیقت انسانی و ترک اصول فطرت انسانی است، چون باورمندی به خالق کائنات باعث میشود، انسان بر محوری حرکت کند، که خلاف فطرت سلیم و قانون طبیعت نباشد؛ یکی از نمونه های اینگونه لغزشها، ارث قایل شدن به حیوانات و یا ازدواج با همجنس است.

اما هنگامیکه دولت و شهروندان افغانستان را به لحاظ قائمدااری و قانونمندی مورد ارزیابی قرار میدهیم، ملاحظه میگردد که دولت و شهروندان این کشور، اصلا با کشور های انکشاف یافته جهان قابل مقایسه نیست، چون بیمه بیماری، بیمه بیکاری، بیمه صحتی، بیمه بارداری و... آنجا با در نظر داشت استندرد های جهانی در نظر گرفته میشود، در حالیکه افغانستان در امر تأمین حد اقل حقوق شهروندان در عرصه بیمه ها نیز با مشکلات مواجه بوده و نمیتواند، کاری انجام دهد.

در نهایت امر میتوان گفت، در افغانستان، اساسات تأمینات اجتماعی زیر عناوین تقاعد، رخصتی های بارداری، مریضی و تفریحی، اعزام برخی از کارمندان دولت که با رده های بلند دولت روابط شخصی دارند، جهت تداوی به خارج از کشور و دفتر بیمه ملی افغان، نهاد سره میاشت و مرستون وجود دارد، اما در مجموع مشکلات زیادی فرا راه حقوق تأمینات

اجتماعی در کشور وجود دارد که نیاز است، دولت افغانستان پیرامون موضوع اقدامات لازم و عملی را در زمینه، روی دست گیرد.

پایان

منابع و مأخذ

- 1- قرآن کریم
- 2- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری
- 3- مسلم بن حجاج نیشاپوری، صحیح مسلم
- 4- علامه ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر
- 5- علامه محمد بن احمد انصاری القرطبی، تفسیر قرطبی
- 6- قانون اساسی افغانستان، 1381
- 7- قانون کار افغانستان
- 8- دکتر کورش استوار سنگری، حقوق تأمین اجتماعی
- 9- دکتر عزت الله عراقی، حقوق بین المللی کار
- 10- مقدمه بر تأمین اجتماعی، ترجمه ابوالقاسم نوروز طالقانی
- 11- منشور ملل متحد
- 12- منشور اتلانتیک
- 13- اعلامیه فلادلفیا
- 14- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- 15- مقاله نامه 128 سازمان ملل
- 16- مقاله نامه 130 سازمان ملل
- 17- مقاله نامه 168 سازمان ملل
- 18- مقاله نامه 183 سازمان ملل